

تلاشی در مسیر معرفت پیش



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 [Www.ToranjBook.Net](http://Www.ToranjBook.Net)

 [@ToranjBook\\_Net](https://ToranjBook_Net)

 [@ToranjBook\\_Net](https://ToranjBook_Net)



## فعالیت‌های تکاری



نوئنله زیر را بخوانید و ویژگی‌های هر یعنی را متناسب کنید.

### نقشه‌ایم برای آینده

پندر مقدمه من برای آینده، نقشه‌ایم برای دادی داشتم که طام می‌خواست آنها را موبایل موتوررا کنم. دام می‌خواست در آینده، متناسب با من گفت: جون تو خوش خط می‌ستی، پس نمی‌توانی دکتر شوی، نازه، خیلی از دکترها، دکتری را طل کرده‌اند و رفته‌اند سراغ ساختمان سازی!

بعد، من تصمیم گرفتم که مهندس بشویم زاساخته ان‌های محکم تری می‌سازم و پول‌دار شویم؛ وای دیدم پرادریزگم که خودش چند سال است مهندس شده، هنوز پول‌دار نشده است؛ نازه او به من گفت: این روزها هر باره آجری را که بلند کنی یک مهندس از زیرش بیرون می‌آید.

من، خلوان شدن راهم خیلی دوست داشتم. هنگامی که پرادران «رابت» مرفق شدند، پرواز کنند، من در پوست خردمنی گنجیدم؛ اما آن غر وقت اخبار را گوش می‌دم، یک هزاریه اسفلت می‌کند و همیشه هم مفترض اصلی، خلوان است و من نمی‌دانم چرا لسم خیلی از این خلوان دا تپر ارار فه است.

ما جون به فویال هم علاقه‌مند می‌ستیم و دوست داریم یک روزه به هر زاده نوده پروریم و بین صفر تا یک میلیون، چند تا عدد انتخاب کنیم، تصمیم گرفتم داور شویم، زیرا داورها با سوت خده کار می‌کنند؛ اما چند وقت پیش، شنیدم که نه لشاجوان در روز شنگاه به داوری دید و بی راه گفند و داور هم قرمز شد.

بعد، مصمم شدم که نویسنده بشویم؛ وای در یک جایی خواندم اگر شکار ایکاک شغل شد، نویسنده کسی هم شغل می‌شود.

«ادیگر خسته شده بودیم و نمی‌دانستیم، برای آینده خود چه نقشه‌ایی یکیم. دوباره رذیم سراغ پرادران ویا او مشورت کردیم، او گفت: نمی‌دانم؛ اما سعی کن کاری را انتخاب کنی که همیشه نیکی باشی و معروف شوی.

آن وقت بود که ما تصمیم گرفتیم از میان این همه شغل، هست به انتخاب پریم و نریس جمهوری بشویم.

● صدری تهمبازی ام راه کثر لبکم قزوین / با تلاخیص و اندک تغییر / نقل از مجله انشا و نویسنده کسی

دلنه



بیت

## دوست خویسی



الف) معلم نگارش، حسن را صدای زد و از او خواست، نوشتہ اش را بخواند.

ب) معلم نگارش، حسن را صدای زد و از آن خواست، نوشتہ اش را بخواند.

جمله الف درست است. ضمیر «آن» معمولاً برای اشاره به کار می‌رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می‌اید، مانند دانش آموزان امروز به مدرسه نیامدند، آنها به گزینش علمی رفتند.

چهله‌های زیر را وبرایشن کتید:

مریم، دستیارش را صدای زد از آن خواست، پیغمهای را برای نصرین آماده کرد.

مریم دستیارش را صدای زد از آن خواست جیوه دستیارش را جیوه نماید.

این دوچرخه را دوست دارم؛ زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

این دوچرخه زای دوست کارم زیرا او دوچرخه کوزان کودکی من است.

# تلاشی در مسیر موفقیت

تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 